

## زبانهای ایرانی باستان

نویسنده: یزدان صفایی

زبان شناسان با توجه به اسناد و مدارکی که چگونگی دگرگونی و تکامل زبانهای ایرانی را در درازنای تاریخ نشان میدهند، زبانهای ایرانی را از دیدگاه تحول زبانی به سه دوره بخش کرده اند:

(۱) دوره ی باستان (۲) دوره ی میانه (۳) دوره ی نو

اکنون میخواهیم به بررسی و پژوهش در زبانهای ایرانی باستان بپردازیم.

باید توجه داشت که این نامگذاری، پیش از آن که ناظر به دوره ی زمانی ویژه ای باشد، بر اساس ساختمان زبان و درجه ی تحول و دگرگونی آن است. با این وجود زبان شناسان، زمان رواج زبانهای ایرانی باستان را از دیرینه ترین زمانها تا پایان شاهنشاهی هخامنشی میدانند.

زبانهای ایرانی باستان با توجه به مدارک و اسناد موجود به چهار شاخه ی مادی، سکایی، پارسی باستان و اوستایی بخشبندی میشوند. دور از ذهن نیست که زبانهای دیگری نیز افزون بر این چهار مورد، در دوره ی باستان وجود داشته بوده باشند اما شوربختانه سند و مدرکی از آنها نمانده است.

### زبان مادی

شاهنشاهی ماد، نخستین دولتی است که با استناد به سالنامه های دولتهای میان رودان و یونانی از آن آگاهی داریم. با این وجود از این زبان، نوشته ای باز نمانده است. برخی از سندهای هخامنشیان علاوه بر پاسارگاد، شوش و بابل در هگمتانه نیز نگهداری میشد. بدون شک دولت ماد نیز نیاز داشته است که سندهای دولتی و رسمی را به نگارش در بیاورد اما سندی نیست که نشان بدهد این اسناد حتماً به زبان مادی نوشته شده باشند.

دینون مینوبس که در نیمه ی نخست سده ی ششم پیش از میلاد، سرایندگانی در دربار شاهان مادی بوده اند و موضوع سروده های خود را از داستانهای ملی برداشت میکرده اند. چندین داستان و افسانه از دوره ی مادها در نوشته های تاریخ نگاران یونانی آورد شده که از روی آنها میتوان دریافت که در زمان مادها، داستانها یا منظومه هایی داستانی وجود داشته است اما شوربختانه هیچ یک از آنها اکنون در دسترس نیستند.

از زبان مادی شماری واژه در نوشته های پارسی باستان و یونانی مانده است که چند نمونه از آن را که در پارسی باستان به جای مانده است، در زیر می آوریم:

Wazaraka = بزرگ

Khshaayathya = شاه

Mithra = مهر

از این زبان پس از دوره ی هخامنشی هیچ آگاهی در دست نیست.

### سکایی

سکاها دسته ای از ایرانیان بودند که در خاور دریای کاسپین و باختر آن پراکنده بودند. سکاها باختری، چندی بر مادها مسلط بودند و هیچ دور از ذهن نیست که در این مدت این دو زبان از همدیگر اثر گرفته باشند. این زبان با زبانهای مادی و پارسی یکسان نبوده اما تفاوت فراوانی هم نداشته است چنانچه هرودوت مینویسد که هووخشتر "پادشاه ماد"، با گروهی از سکاییان جنگجو که به پناه آورده بودند؛ به احترام رفتار کرد و دسته ای از کودکان ماد را به ایشان سپرد تا زبان خود را به آنان بیاموزانند. همین مورخ برخی از افسانه های ملی و داستانهای سکایی را درباره اصل و نژاد و تاریخ کهن این قوم آورده است. استرابون (جغرافیایی نویسنده یونانی سده نخست میلادی) به نزدیکی فراوان زبانهای سکایی و مادی و پارسی باستان اشاره کرده است.

از زبان سکاها خاوری و باختری، چند واژه که بیشتر آنها نام خاص هستند باقی مانده است که در زیر چند نمونه از زبان سکاییان باختری را که در نوشته های یونانی و لاتینی به جای مانده است، می آوریم:

Arvant = تند و سریع

Aspa = اسب

Aatar = آذر

Baazu = بازو

Charma = چرم

Chyav = شدن

Gausha = گوش

Hapta = هفت

hushka = خشک

### پارسی باستان

پارسی باستان نامی است که به زبان سنگ نوشته های شاهنشاهان هخامنشی داده شده است. این زبان گویش مردم پارس بوده که در آن نشانه های اندکی از یک گویش شمالی نیز دیده میشود. این زبان را تنها از روی همین نوشته های شاهانه، که بر روی کوهها و لوح ها بر جای مانده، میشناسیم.

روابط اداری در شاهنشاهی هخامنشی به زبان و خط آرامی بر روی چرم یا پاپیروس و با قلم و مرکب، انجام میگرفت. اسناد گنجینه ی کاخ شاهی در تخت جمشید که شمار آنها نزدیک سی هزار است به زبان عیلامی است. شونب به کار بردن این زبانها به جای زبان پارسی این است که هخامنشیان خیلی رود بر گستره ای پهناور چیره گشتند و در نتیجه زمان کافی برای پرورش دبیران و کارمندان آگاه به زبان پارسی نداشته اند و در نتیجه کاربردی ترین شیوه را برگزیدند که همان استفاده از دبیران و کارمندان محلی برای پیشبرد کارهای دفتری و اداری بود. و بنابراین زبان پارسی باستان تنها برای ثبت کارهای بزرگ و درخشان شاهنشاهان هخامنشی به کار می رفت که برجسته ترین آنها کتیبه ی بیستون از داریوش بزرگ است و پس از او خشایارشا و اردشیر یکم و داریوش دوم و اردشیر دوم و اردشیر سوم به کتیبه نویسی ادامه دادند.

از آریارمنه و ارشامه و کورش نیز کتیبه به جای مانده است اما با توجه به اختراع خط میخی در زمان داریوش یکم، این کتیبه ها به احتمال زیاد پس از خود آنها و به دستور داریوش نوشته شده است.

## اوستایی

اوستایی به زبانی گفته میشود که اوستا به آن نوشته شده است. در اوستا، میهن نخست آریاییان، آریا ویج نامیده شده و پژوهشگران بر این باورند که خاستگاه این زبان می بایست جایی در نزدیکی خوارزم و دریاچه ی آرال باشد. زبان اوستایی را باید دارای دو گویش دانست:

گویشی که در گاهان به کار رفته و کهنتر می نماید و دیگری گویش دیگر بخشهای اوستا که نو تر است. گاهان یا گاتها، سروده های خود زرتشت است چرا که در شش مورد از این سروده ها، نام زرتشت به صیغه ی یکم شخص آمده است و بنابراین زمان سروده شدن گاتها ارتباط مستقیمی با زمان زندگی اشوزرتشت دارد. بر اساس روایت های زرتشتی دوره ی ساسانی، زمان زرتشت را حدود ۲۶۰۰ سال پیش در نظر گرفته اند البته دیدگاه در این زمینه بسیار متفاوت است و حتی برخی منابع یونانی زمان زرتشت را تا ۸۵۰۰ سال پیش نیز عقب میبرند. دیگر بخشهای اوستا در دوره ی ساسانیان گردآوری شده است.

به موجب دینکرد، اوستای زمان هخامنشیان بر روی چرم گاو نوشته شده بود و اسکندر آنها را سوزاند سپس در زمان بلاش "شاه اشکانی"، اوستا را از روی روایت های شفاهی گردآوری کردند و در زمان اردشیر ساسانی، بار دیگر این متنها تصحیح و ثبت گردید. اوستای ساسانی ۲۱ نسک یا کتاب بوده اما پس از یورش عربها بخشهای بسیاری از آن نابود شد با این حال نویسنده دینکرد در سده ی نهم میلادی، سه برابر متن کنونی را در دست داشته است. اوستای کنونی شامل ۵ بخش "یسنا"، "ویسپرد"، "وندیداد"، "یشتها" و "خرده اوستا" است. متن اوستایی که اکنون در دسترس است به دبیره خاصی نوشته شده است که تنها برای ثبت این نوشته های دینی شاخته شده و زمان پیدایش آن را سده ششم میلادی دانسته اند.

## تفاوتهای زبان اوستایی و پارسی باستان

زبان اوستایی با پارسی باستان بستگی زیادی دارد بطوریکه میتوان گفت این دو زبان، گویشهایی با اندکی اختلاف از زبان ایرانی باستان بوده اند. زبان بخشهایی از اوستا مانند گاتها و بخشهایی از یشت ها کهن تر از متن های بازمانده از پارسی باستان است اما با این حال بیشتر زبان شناسان همراهی هستند که زبان اوستایی گویش خاوری ایران باستان و پارسی گویش باختری یا جنوب باختری آن است. تفاوت این دو، از جهت واکها و از جهت ساختهای صرفی است. در زیر به چند نمونه از تفاوت واکهای این دو زبان میپردازیم:

(۱) واک "س" در اوستایی برابر با "ث" در پارسی باستان است. برای نمونه:  
اوستایی: masishta = پارسی: mathishta = مهست، بزرگترین

(۲) واک "ز" در اوستایی برابر با "د" در پارسی باستان است. برای نمونه:  
اوستایی: zasta = پارسی: dasta = دست  
اوستایی: zrayah = پارسی: drayah = دریا

۳) گروه دو صامت "س پ" در اوستایی برابر با صامت "س" در پارسی است. برای نمونه:

اوستایی: aspa = پارسی: asa = اسب

اوستایی: vispa = پارسی: visa = قبیله

۴) گروه دو صامت "ث ر" برابر با "س" در پارسی است. برای نمونه:

اوستایی: thritiya = پارسی: ssitiya = سوم

از جهت ساختهای صرف نام در اوستایی، هر هشت حالت وجود دارد. تفاوتهای میان زبانهای پارسی باستان و اوستایی، منظم و پیرو قاعده است. بنابراین هر جا که واژه ای در متنهای پارسی یافت نشود از روی واژه ی اوستایی میتوان پی برد که ریخت پارسی آن چگونه بوده است و چون از زبان اوستایی، متنهای مفصل تر و واژگان فراوان تری موجود است در پژوهش تاریخ تحول زبان فارسی از آن استفاده میشود.

### دیگر زبانهای ایرانی باستان

از روی برخی قرینه ها میتوان به وجود زبانهای دیگر ایرانی باستان پی برد. از آن جمله اند زبانهای مادر زبانهای ایرانی میانه ای که از آنها اسناد و مدارکی در دست داریم و بر اساس زبان شناسی آشکار است که اصل (زبان مادر آنها) با زبانهای ایرانی باستان که در بالا به آنها اشاره شد، یکسان نبوده و در نتیجه صورت باستانی آنها، همزمان با زبانهای ایرانی باستان وجود داشته است. از میان میتوان به وجود زبانهای مادر و باستانی برای زبان سغدی میانه و زبان پهلوانیک پی برد. اما از این زبانهای باستانی هیچ سندی حتی به صورت غیر مستقیم در دست نیست.

بن مایه ها:

۱) تاریخ زبان فارسی، جلد یکم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران/ پرویز ناتل خانلری

۲) تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت/ دکتر محسن ابوالقاسمی.